

بررسی  
کتاب‌های مطالعات اجتماعی  
و راهنمای معلم پایه هفتم  
سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲

# تفکر انتقادی

زهره احمدزاده اهری  
محمد رضا قادری  
عبدالله اخباری

**کلیدواژه‌ها:** تحلیل محتوا، کتاب مطالعات اجتماعی پایه هفتم، کتاب راهنمای معلم مطالعات اجتماعی پایه هفتم، مؤلفه‌های تفکر انتقادی، زیرمؤلفه‌های تفکر انتقادی، آموزش و پرورش امروز

## بیان مسئله

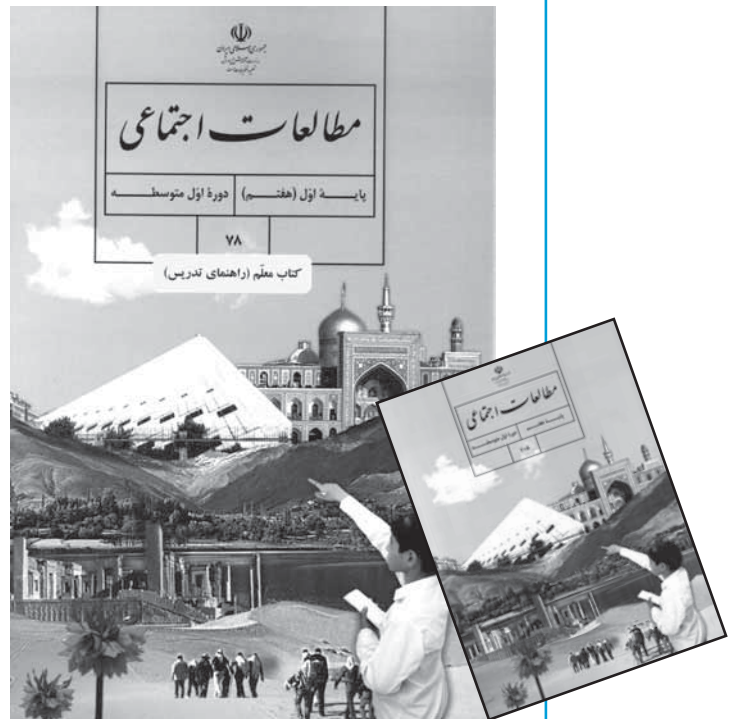
آموزش و پرورش امروز با رویکردهای مهم و جدیدی روبه‌روست. تغییرات و تحولات گسترده فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی عصر حاضر، مشکلات جدیدی برای مدرسه‌ها و نظام‌های آموزشی و پرورشی در جهان به وجود آورده و به تبع آن، در مردم انتظارات تازه‌ای را دامن زده است. امروزه دانش‌آموزان برای روبه‌رو شدن با تحولات شگفت‌انگیز قرن بیست و یکم باید به مهارت‌های پژوهش و حل مسئله مجهز شوند و روحیه جست‌وجوگری را در خود تقویت کنند. آن‌ها باید در کنار کسب دانش‌های نوین، به نگرش‌هایی چون برقراری ارتباط با دیگران، کارگروهی و اندیشه جمعی نیز مجهز شوند.

از آنجا که نظام تعلیم و تربیت در رایج‌ترین کاربرد خود، بر تفکر و عقلانیت تأکید دارد، ارتقای سطح فکری و بهبود شیوه‌های اندیشیدن و پرورش مهارت‌های تفکر از مهم‌ترین وظایف آموزش و پرورش است. با توجه به اینکه ضرورت کاربرد اندیشه انتقادی در برخورد با مسائل اجتماعی به خوبی قابل مشاهده است، یکی از اهداف برنامه درسی مطالعات اجتماعی در مدرسه‌ها و در دوره‌های جدید آموزشی، آموزش تفکر انتقادی است.

**مایرز** تفکر انتقادی را شناسایی استدلال‌های غلط، پرهیز از تناقضات و مفروضات اظهار شده و اظهار نشده در بحث‌های دیگران، نداشتن هیجان عاطفی هنگام روبه‌رو شدن با مسئله، یا عدم تعادل تعریف کرده است. (شعبانی، ۱۳۸۲) **انیس** تفکر انتقادی را تفکر منطقی و مستدلی تعریف می‌کند که مرکز توجه آن تصمیم‌گیری و قضاوت دربارهٔ باورها و اعمال است. به اعتقاد وی، وقتی فردی می‌کوشد مباحث را دقیقاً تحلیل کند، مدارک معتبری را جست‌وجو می‌کند و به نتیجه‌گیری‌های معتبر می‌رسد. (مهری‌نژاد، ۱۳۸۶) **لیپمن**<sup>۱</sup> بین تفکر عادی و تفکر انتقادی تمایز قائل می‌شود. به عقیده وی تفکر عادی ساده ولی تفکر انتقادی پیچیده‌تر است و مستلزم فرایندهای عالی ذهن و داوری براساس شواهد و مدارک است. بر این اساس، مشخص کردن و بیان کردن مسائل، جمع‌آوری اطلاعات، تحلیل پرسش‌ها، مشاهده و قضاوت دربارهٔ اعتبار یک منبع و سازماندهی اطلاعات و سپس نتیجه‌گیری از نتایج، همه فعالیت‌هایی هستند که در تفکر انتقادی صورت می‌گیرند.

(لیپمن، ۱۹۹۷)

**لیپمن** و **انیس**<sup>۲</sup> تفکر انتقادی را دارای حداقل دو عنصر اساسی می‌دانند: یکی عنصر «بررسی و ارزیابی دلایل»، که مستلزم کسب مهارت‌های لازم برای درک درست و ارزیابی



داده‌هاست و دیگری «روحیه انتقادی» که شامل آمادگی‌ها، نگرش‌ها، خصوصیات ذهنی و صفات شخصی است. (یعقوبی و معروفی، ۱۳۸۹)

یکی از مباحث اساسی که می‌توان از طریق آن به آموزش تفکر انتقادی پرداخت، استفاده از محتوای برنامه‌های درسی است. نقد و بررسی محتوای کتاب‌های درسی از جمله موضوعاتی است که در چند دهه اخیر مورد توجه پژوهشگران و متخصصان تعلیم و تربیت قرار گرفته است. توجه به این موضوع می‌تواند کمی‌ها و کاستی‌های کتاب‌های درسی را آشکار سازد و به طراحان برنامه‌های درسی در تدوین بهتر کتاب‌های درسی کمک نماید. کتاب درسی یا محتوای مطالب آموزشی که به‌ویژه در نظام‌های آموزشی متمرکز محور مکتوب و مدون تعلیم و تربیت به‌شمار می‌رود و فعالیت‌ها و تجربه‌های تربیتی دانش‌آموزان توسط معلم و حول محور آن سازمان‌دهی می‌شود، به تحلیل و بررسی علمی نیاز دارد. نوعی تحلیل که برای برنامه‌ریزان درسی، مؤلفان و تصمیم‌گیرندگان برنامه‌های درسی بسیار مفید و ضروری است، تحلیل محتواست. تحلیل محتوا عبارت است از مجموعه مفاهیم، اصول، مهارت‌ها، ارزش‌ها و گرایش‌هایی که از سوی برنامه‌ریزان و به قصد تحقق اهداف انتخاب و سازماندهی می‌شوند. (گال و بورگ، ۱۳۸۲)

کتاب یا محتوای درسی زمانی می‌تواند به تحقق اهداف آموزش و پرورش کمک کند که با محتوای غنی خود و اصول و مواردی که در تدوین برنامه درسی به‌کار گرفته می‌شوند، زمینه را برای شکوفایی استعدادها و قابلیت‌های دانش‌آموزان فراهم آورد. حال با توجه به نقش و اهمیت کتاب‌های مطالعات اجتماعی در آشنا ساختن دانش‌آموزان با جامعه و مسائل و مشکلات اجتماعی و فرهنگی، ایجاد نگرش‌های مطلوب اجتماعی و نیز آماده کردن آن‌ها برای مشارکت در امور جامعه نیازمند محتوا و تجربیات یادگیری از ابعاد متفاوت تفکر، از جمله تفکر انتقادی است. (ملکی، ۱۳۸۹)

محتوا وسیله‌ای برای تحقق اهداف به‌شمار می‌آید و به همین دلیل ضروری است ویژگی‌های آن با اهداف مورد انتظار تناسب داشته باشد. برای بررسی محتوا و پیام‌های آشکار موجود در یک متن می‌توان از روش تحلیل محتوا استفاده کرد. در این روش، محتوا و پیام‌های آشکار به‌طور نظام‌دار و کمی توصیف می‌شوند. از این‌رو این روش را می‌توان روش تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی قلمداد کرد. هدف این پژوهش تحلیل محتوای کتاب مطالعات اجتماعی و راهنمای معلم پایه هفتم از بعد تفکر انتقادی است.

در مورد مؤلفه‌های تفکر انتقادی نظرات متفاوتی وجود دارد. **واتسون و گریز**<sup>۲</sup> پنج مؤلفه در این زمینه ارائه کردند: استنباط، شناسایی مفروضات، استنتاج، تعبیر و تفسیر، و ارزشیابی استدلال‌های منطقی. (یعقوبی و معروفی، ۱۳۸۹).

با این حال، شاید بتوان گفت مؤلفه‌های ارائه شده در تحقیق **علی‌پور** و همکارانش (۱۳۸۸)، **پاسیوار** و **استقامت** (۱۳۸۸) و **زکی** (۱۳۹۲) که از نظر **فاسیون** بیان شده‌اند، به دلیل کامل بودن تعاریف و به‌روز بودن موارد استفاده از آن‌ها، از جامعیت بیشتری برخوردار هستند و عبارت‌اند از: تفسیر، تحلیل، استنباط، ارزشیابی، توضیح دادن و خودتنظیمی. در تحقیق حاضر از مؤلفه‌های اخیر استفاده شده است.

### تعریف مؤلفه‌های شش‌گانه تفکر انتقادی

۱. **تفسیر**<sup>۴</sup>: به معنی درک و بیان معنی و یا اهمیت انبوهی از بیانات، موقعیت‌ها، اطلاعات، وقایع، تفاوت‌ها، قراردادهای گمان‌ها، قوانین و رویه‌ها. تفسیر شامل زیرمؤلفه‌های طبقه‌بندی، رمزگشایی و معنی کردن دقیق (واضح‌سازی) است.

۲. **تحلیل**<sup>۵</sup>: مشخص کردن روابط استنباطی واقعی قصد شده و بیان گفته‌ها، مفهوم‌ها، توضیحات و یا شکل‌های دیگر برای اظهار کردن گمان، قضاوت، تجارب، دلایل، اطلاعات یا عقاید.

۳. **ارزشیابی**<sup>۶</sup>: تعیین و برآورد کردن اعتبار و صحت گفته‌ها یا دیگر اشکال بیانی که نشانگر درک، فهم، تجربه، موقعیت، باور و اعتقاد مشخصی است. ارزشیابی بر تعیین و برآورد رابطه منطقی بین گفته‌ها، توضیحات سؤال‌ها و دیگر گونه‌های کلامی تأکید دارد.

۴. **استنباط**<sup>۷</sup>: تشخیص عناصر و شواهد مطمئن برای نتیجه‌گیری. خرده‌مؤلفه‌های آن عبارت‌اند از: پرسش کردن از وقایع، حدس زدن متناوب و ترسیم کردن نتایج.

۵. **توضیح دادن**<sup>۸</sup>: توانایی بیان اینکه چگونه به یک قضاوت دست می‌یابیم و توانایی ارائه راهی متقاعدکننده که حاصل تفکر فردی است. خرده‌مؤلفه‌های آن عبارت‌اند از: شیوه‌ها و قوانین؛ روش‌های توجیهی؛ هدف داشتن با دلایل جذب و بیانیه‌های مفهومی از وقایع یا دیدگاه‌ها، ارائه کامل و خوب مدلل شده بحث‌ها برای بیان بهترین فهم ممکن.

۶. **خودتنظیمی**<sup>۹</sup>: عقاید قبلی خود را گسترش دادن و اصلاح کردن. به عبارت دیگر، تجدیدنظر و دوباره شکل‌بندی کردن، گام برداشتن به عقب و بررسی چگونگی فرایند انجام کار است. خرده‌مؤلفه‌های خودتنظیمی عبارت‌اند از: خودسنجی و تصحیح کردن خود. (فاسیون، ۲۰۰۰)

براساس مبانی نظری پژوهش در رابطه با جایگاه تفکر انتقادی در کتاب درسی مطالعات اجتماعی، در پایه هفتم و راهنمای معلم آن، تحقیق و یا پژوهشی که به‌طور مستقیم به این موضوع پرداخته باشد، یافت نشد اما تحقیقات متفاوتی درباره جایگاه تفکر انتقادی در درس‌ها، پایه‌ها و دوره‌های تحصیلی دیگر انجام شده‌اند که در اینجا به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

تحقیق **علی‌پور** (۱۳۸۳) با عنوان «بررسی تناسب محتوای کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی تحصیلی با هدف پرورش مهارت‌های تفکر انتقادی» که با روش تحلیل محتوا و با

استفاده از آمار توصیفی (فراوانی و درصد فراوانی) انجام شده است، نشان می‌دهد که محتوای کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی تحصیلی، مهارت‌های تجزیه و تحلیل، ترکیب، ارزشیابی قضاوت و جمع‌بندی را پرورش نمی‌دهد. این موضوع بی‌توجهی محتوای درس‌های مطالعات اجتماعی را به بحث تفکر نشان می‌دهد و تجدید نظر در پرداختن به مؤلفه‌های تفکر و تفکر انتقادی در محتوای آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد. در این تحقیق به لزوم تمرکز بر مؤلفه‌های تفکر انتقادی در محتوای کتاب توجه خاصی شده است.

تحقیق **هاشمی (۱۳۸۵)** با عنوان «بررسی جایگاه تفکر انتقادی در محتوای کتاب‌های درسی پایه پنجم دوره ابتدایی» (از جمله کتاب مطالعات اجتماعی) که بر مبنای مؤلفه‌های تفکر انتقادی از نظر لیپمن و با استفاده از تکنیک **ویلیام رومی** انجام شد، نشان داد که میزان توجه به تفکر انتقادی در کتاب علوم بیشتر از کتاب ریاضی بوده است. دلیل عدم به‌کارگیری مؤلفه‌های تفکر انتقادی توسط دانش‌آموزان را علاوه بر مشکلات موجود در محتوای کتاب‌ها، باید در مؤلفه‌های دیگری مانند روش تدریس جست‌وجو کرد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که هنوز باید در بحث محتوای درس‌ها و نحوه تدریس به مؤلفه‌های تفکر انتقادی بیشتر توجه نشان داده شود.

تحقیق **قاسمیان (۱۳۸۸)** با عنوان «بررسی جایگاه تفکر انتقادی در برنامه درسی دوره ابتدایی» که با روش تحلیل محتوا و با استفاده از سیاهه تحلیل و محتوا انجام گرفت، نشان می‌دهد که از بین عناصر برنامه درسی در کتاب راهنمای معلم، به تفکر انتقادی در حد انتظار توجه شده است.

در تحقیق دیگری که **یعقوبی و معروفی (۱۳۸۹)**، درباره تحلیل محتوای کتاب‌های مطالعات اجتماعی دوره متوسطه از منظر تفکر انتقادی انجام دادند، مشخص شد که در محتوای کتاب مهارت‌های سؤال کردن، منطقی بودن و تحلیل شواهد به نحو مطلوبی مورد توجه قرار گرفته‌اند ولی به مهارت‌های استدلال کردن و تفسیر و قضاوت توجه متوسطی شده است. در کل، تحقیق در این مورد با استفاده از نظرات لیپمن انجام گرفته است و نشان می‌دهد که در محتوای کتاب مطالعات اجتماعی متوسطه، جای توجه بیشتر به تفکر انتقادی در محتوای درس‌ها وجود دارد.

اما تحقیق دیگری در خارج از کشور که به تحلیل محتوا بر پایه تفکر انتقادی پرداخته، تحقیق **کوپن اوریلی<sup>۱۰</sup> (۲۰۱۱)**، نقل در: **هاشمی (۱۳۸۵)** است. او از مدلی که برای پرورش مهارت‌های تفکر انتقادی در درس‌های گوناگون ارائه شده است، نام می‌برد که بر ارزشیابی، تعقل و ارائه و بررسی مدارک و اعتبار آن تأکید دارد. در این تحقیق، نخست دو متن متضاد به دانش‌آموزان ارائه می‌دهند تا با استفاده از تجارب خود و تعامل و بحث روی مدارک و اعتبار منابع آن‌ها را بررسی کنند.

دانش‌آموزان معیارهایی را برای قضاوت و ارزشیابی مورد توجه قرار می‌دهند و بر مبنای آن‌ها به بررسی اعتبار مدارک و منابع اطلاعاتی می‌پردازند. این پژوهش به دانش‌آموزان کمک کرد که فکر کردن را بیاموزند و به طریقی این مهارت‌ها را به سایر درس‌ها در دبیرستان و زندگی منتقل کنند.

با توجه به تحقیقات گذشته می‌توان دریافت که کتاب‌های قبلی توجه نسبتاً کمی به تفکر انتقادی داشته‌اند. اما از سال ۹۱-۱۳۹۰، در راستای همسوسازی با برنامه درسی ملی، کتاب‌های درسی طبق جدول زمان‌بندی شده در حال تغییر هستند. در برنامه درسی ملی، تفکر انتقادی به‌عنوان یکی از اهداف و یادگیری‌های مشترک و یکی از زیرمجموعه‌های عنصر تعقل (از عناصر پنج‌گانه الگوی هدف‌گذاری برنامه درسی ملی<sup>۱۱</sup>) تعیین شده است و تمام خروجی‌های آموزش و پرورش باید به‌گونه‌ای به آن دست یابند. لذا تفکر انتقادی - که جزو عنصر تعقل محسوب می‌شود، - باید در همه حوزه‌های یادگیری و موضوعات درسی حضور داشته باشد.

تحقیق حاضر کوشیده است با تحلیل محتوای کتاب مطالعات اجتماعی پایه هفتم و کتاب راهنمای معلم آن از منظر تفکر انتقادی، براساس آرای **فاسیون<sup>۱۲</sup>** و بررسی شش مؤلفه اساسی که او در بیان عناصر تفکر انتقادی قائل است، بپردازد. به این منظور میزان توجه به شش مؤلفه<sup>۱۳</sup> تفکر انتقادی را در دو کتاب مقایسه کرده است تا مشخص کند در کدام کتاب به مؤلفه‌های تفکر انتقادی بیشتر توجه شده است.

### روش‌شناسی پژوهش

روش مورد استفاده در این تحقیق تحلیل محتوا از نوع کمی بوده است. در این روش پیام‌ها یا اطلاعات به‌صورت منظم کدگذاری و به نحوی طبقه‌بندی می‌شوند که پژوهشگر بتواند آن‌ها را به‌صورت کمی تجزیه و تحلیل کند.

### جامعه آماری

جامعه آماری شامل کتاب مطالعات اجتماعی پایه هفتم و کتاب راهنمای معلم آن در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ بود. کتاب مطالعات اجتماعی دارای چهار بخش مدنی (صفحات ۱ تا ۴۰)، جغرافی (صفحات ۴۱ تا ۷۰)، اجتماعی (صفحات ۷۱ تا ۱۰۰) و تاریخ (صفحات ۱۰۱ تا ۱۴۸) است و کل کتاب ۱۵۲ صفحه دارد.

تمام دو کتاب مطالعات اجتماعی پایه هفتم و کتاب راهنمای معلم آن تحلیل شد و نمونه‌گیری صورت نگرفت.

### ابزار گردآوری اطلاعات

تفکر انتقادی از نظر فاسیون دارای شش مؤلفه است:

۱. **تفسیر** که خود دارای سه زیرمؤلفه «دسته‌بندی»، «رمزگردانی» و «واضح‌سازی» است.

۲. **تحلیل** که شامل دو زیرمؤلفه «سنجش عقاید و باورها» و «تشخیص و تحلیل استدلال» هاست.

۳. **ارزشیابی** که شامل یک زیرمؤلفه «بررسی استدلال‌ها و داده‌ها» می‌شود.

۴. **استنباط** که شامل سه زیرمؤلفه «بررسی و جست‌وجوی شواهد»، «حدس زدن متغیرها» و «استنتاج» است.

۵. **توضیح** که دارای سه زیرمؤلفه است: «بیان نتایج»، «اثبات روش‌ها»، «ارائه استدلال‌ها».

۶. **خودتنظیمی** که شامل دو زیرمؤلفه «خودسنجی» و «اصلاح» می‌شود.

تحلیل محتوای متن دو کتاب براساس این مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌ها بوده است.

## روایی و پایایی

روایی جدول تحلیل محتوا (فهرست مؤلفه‌های تفکر انتقادی از نظر فاسیون)، توسط پاسیوار و استقامت و از سوی چهار نفر از استادان «دانشگاه علوم پزشکی تهران» تأیید شده است. برای پژوهش حاضر نیز، جدول‌ها و مقوله‌های تحلیل محتوا در اختیار دو تن از استادان «دانشکده علوم تربیتی بیرجند» قرار گرفت و همچنین به تأیید دو تن از معلمان با سابقه رسید و به این ترتیب روایی صوری آن تأیید شد. به‌منظور اطمینان از پایایی تحلیل محتوا نیز، به‌خاطر زیاد بودن تعداد جدول‌ها و صفحات زیاد تحلیل شده، از فرمول **ویلیام اسکات** استفاده شد. به این معنی که ۱۰ درصد مطالب تحلیل شده به چهار نفر از معلمان مطالعات اجتماعی که سه نفر آن‌ها مشغول تدریس این درس در پایه هفتم هستند، داده شد تا آن‌ها هم با توجه به نشانگرها به تحلیل محتوای متن بپردازند که نتایج نشان‌دهنده درصد پایایی بالا (۷۹ درصد) و اتفاق نظر بین پنج محقق بود.

## یافته‌ها و تفسیر نتایج

سؤال‌های اصلی پژوهش: «در دو کتاب مطالعات اجتماعی و راهنمای معلم آن به چه میزان به مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌های تفکر انتقادی توجه شده است؟ آیا بین پراکندگی مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌ها در دو کتاب تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟»

در مجموع مطالب دو کتاب مطالعات اجتماعی و راهنمای معلم درس مطالعات اجتماعی، ۳۵۱ موقعیت برای «تفکر انتقادی» وجود دارد که با احتساب نسبت تعداد صفحات کتاب مطالعات اجتماعی به موقعیت‌های تفکر انتقادی، ۱۶۸ موقعیت تفکر انتقادی در ۱۵۲ صفحه، در هر صفحه از این کتاب ۱/۱ موقعیت انتقادی وجود دارد. همچنین با توجه به اینکه ۱۸۳ موقعیت تفکر انتقادی برای کتاب راهنمای معلم که بخش مربوط به تدریس آن از صفحه ۷۱ تا ۲۰۰ (۱۲۹ صفحه) می‌شود، نسبت موقعیت به تعداد صفحات ۱/۴ درصد است که موقعیت بهتری نسبت به کتاب مطالعات اجتماعی برای تفکر انتقادی دارد.

تعداد فراوانی مؤلفه تفکر انتقادی در کتاب مطالعات اجتماعی ۶۶۸ مورد (۴۴ درصد کل فراوانی‌ها) و در کتاب راهنمای معلم ۸۳۴ مورد (۵۵ درصد کل فراوانی‌ها) بوده است. یعنی در کتاب مطالعات اجتماعی به میزان کمتری به مؤلفه‌های تفکر انتقادی توجه شده است.

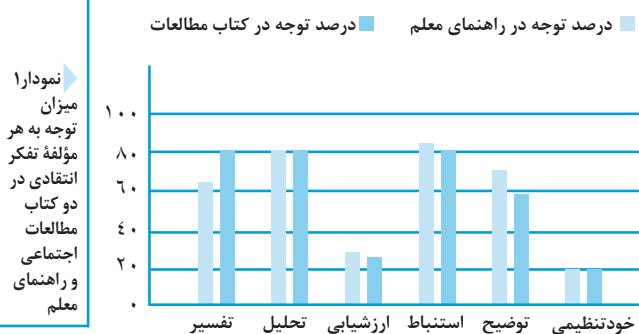
نتایج تحقیق را می‌توان به دو گونه دیگری نیز بررسی کرد؛ این‌گونه که درصد توجه به هر مؤلفه را در دو کتاب بررسی کنیم. در مؤلفه تفسیر، کتاب مطالعات اجتماعی به نسبت کتاب راهنمای معلم (۶۹ به ۸۷ مورد) عملکرد بدتری داشته است. در مؤلفه تحلیل، هر دو کتاب، در ۸۷ مورد به این مؤلفه توجه داشته‌اند.

به مؤلفه ارزشیابی در کتاب مطالعات اجتماعی نسبت به کتاب راهنمای معلم (۳۱ به ۲۹ مورد) توجه بیشتری شده است. مؤلفه توضیح نیز با نسبت ۷۱ به ۶۱ مورد همین وضع را داشته است. اما در مؤلفه مهم خودتنظیمی با نسبت ۲۰ به ۲۱ مورد عملکرد بدتری داشته که نشان‌دهنده توجه بیشتر در کتاب راهنمای معلم است. در مجموع نتایج آزمون‌های دو نشان داد که بین پراکندگی مؤلفه‌ها در دو کتاب تفاوت معناداری وجود دارد.

$$(p < .001, df = 0, \chi^2 = 48.896)$$

نتایج جدول توزیع فراوانی و درصد توجه به زیرمؤلفه‌های تفکر انتقادی در دو کتاب مطالعات اجتماعی و راهنمای معلم همان درس، بیانگر آن است که در کتاب مطالعات اجتماعی نسبت تعداد مؤلفه به صفحات کتاب، ۷/۸ است؛ یعنی در هر صفحه از کتاب، ۷/۸ مورد زیرمؤلفه دیده می‌شود. در کتاب راهنمای معلم، این نسبت، ۹/۷ است، یعنی در هر صفحه از کتاب، ۹/۷ مورد از زیرمؤلفه‌ها دیده می‌شود. بنابراین، از نظر وجود زیرمؤلفه‌ها کتاب راهنمای معلم شرایط بهتری دارد.

همچنین کتاب مطالعات اجتماعی نسبت به کتاب راهنمای معلم در زیرمؤلفه دسته‌بندی کردن (۷۴ به ۳۲ مورد)، در واضح‌سازی (۸۹ به ۸۲ مورد)، در تشخیص اندیشه (۸۶ به ۸۱ مورد)، در جست‌وجوی شواهد (۸۹ به ۸۳ مورد)، در حدس زدن متغیرها (۳۰ به ۲۹ مورد)، استنتاج (۸۰ به ۷۷ مورد)، ارائه استدلال (۶۵ به ۳۳ مورد)، و در خودسنجی (۳۰ به ۲۹ مورد).



نمودار ۱  
میزان توجه به هر مؤلفه تفکر انتقادی در دو کتاب مطالعات اجتماعی و راهنمای معلم

مورد)، در شرایط بهتری است، اما در رمزگردانی (۵ به ۲۳ مورد)، آزمون اندیشه (۷۳ به ۸۸ مورد)، بررسی استدلال (۳۹ به ۴۴ مورد)، بیان نتایج (۵۷ به ۶۳ مورد)، اثبات روش‌ها (۱۱ به ۳۳ مورد) و در اصلاح (۱۴ به ۱۶ مورد) شرایط بدتری دارد. از نظر میزان توجه در دو کتاب، از لحاظ توجه بیشتر به میزان توجه به زیرمؤلفه‌های تفکر انتقادی در دو کتاب ۹/۱ است؛ یعنی در هر صفحه ۹/۱ زیرمؤلفه وجود دارد. به علاوه، در دو کتاب میزان توجه به زیرمؤلفه‌های واضح‌سازی (۸۵ درصد)، آزمون اندیشه (۸۱ درصد)، تشخیص اندیشه (۷۹ درصد)، جست‌وجوی شواهد (۸۵ درصد)، حدس زدن متغیرها (۷۵ درصد)، استنتاج (۷۶ درصد) بیان نتایج (۵۵ درصد) و ارائه استدلال (۶۳ درصد)، با میزان توجه بالاتر از ۵۰ درصد، مناسب بوده است، اما به زیرمؤلفه‌های دسته‌بندی کردن (۳۹ درصد)، رمزگردانی (۲۳ درصد)، اثبات روش‌ها (۱۰ درصد)، خودسنجی (۱۷ درصد) و اصلاح (۱۳ درصد)، با توجه کمتر از ۵۰ درصد توجه کمی شده است.

در مجموع، نتایج آزمون خی دو نشان داد که بین پراکندگی زیرمؤلفه‌ها در دو کتاب تفاوت معنی‌داری وجود دارد ( $df=13, \chi^2=321/23, p=0.001$ ).

### تفسیر یافته‌های پژوهش

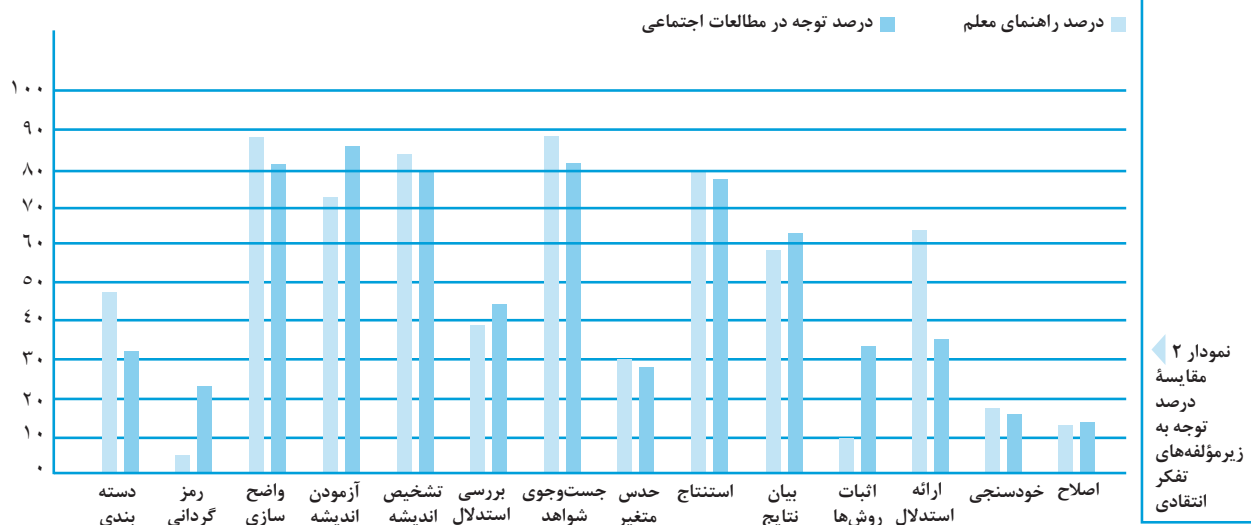
در مجموع، نتایج آزمون خی دو نشان داد که بین توزیع مؤلفه‌ها در کل کتاب مطالعات اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد و بین مؤلفه‌های شش‌گانه تفکر انتقادی در کل کتاب توزیع نامتوازن از ۵ تا ۲۳/۵ درصد مشاهده می‌شود. آزمون خی دو نشان داد که در توزیع مؤلفه‌ها به صورت بخش به بخش، در چهار بخش موجود در کتاب راهنمای معلم نیز تفاوت معناداری وجود دارد و بین بخش‌ها در مورد مؤلفه‌های

شش‌گانه تفکر انتقادی توزیع نامتوازن از ۱۸ تا ۳۸ درصد دیده می‌شود.

در نهایت، از مجموع ۱۳۱۲ مورد فراوانی ثبت شده در کل کتاب‌های مطالعات اجتماعی و راهنمای معلم آن، آزمون خی دو نشان داد که بین توزیع زیرمؤلفه‌های تفکر انتقادی در کل کتاب تعلیمات اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد و بین زیرمؤلفه‌های تفکر انتقادی توزیع نامتوازن و ناهماهنگی بین ۲ تا ۱۲ درصد است. نتایج خی دو همچنین نشان داد که در توزیع زیرمؤلفه‌ها به صورت بخش به بخش نیز تفاوت معنی‌داری وجود دارد و بین زیرمؤلفه‌ها در چهار بخش کتاب راهنمای معلم مشاهده می‌شود.

در مجموع در کتاب مطالعات اجتماعی و راهنمای معلم درس مطالعات اجتماعی، ۳۵۱ موقعیت برای تفکر انتقادی وجود دارد که با احتساب تعداد صفحات، ۱/۱ مورد مؤلفه در یک صفحه موجود است. اما در کتاب راهنمای معلم این نسبت ۱/۴ می‌شود که نشان می‌دهد شرایط در کتاب راهنمای معلم بهتر است. فراوانی مؤلفه‌های تفکر انتقادی در کتاب مطالعات اجتماعی ۶۶۸ مورد و در کتاب راهنمای معلم ۸۳۴ مورد است. یعنی در کتاب مطالعات اجتماعی ۴۴ درصد و در کتاب راهنمای معلم ۵۵ درصد به مؤلفه‌های تفکر انتقادی توجه شده است که این نشان‌دهنده توجه بیشتر کتاب راهنمای معلم به تفکر انتقادی است.

در مجموع، از بررسی دو کتاب مطالعات اجتماعی هفتم و راهنمای معلم آن مشخص شد که در کتاب‌های فوق به‌نحو مطلوبی به تفکر انتقادی توجه نشده که این همسو با نتایج پژوهش‌های علی‌پور (۱۳۸۳)، علی‌پور و همکاران (۱۳۸۸) و هاشمی (۱۳۸۵) در تضاد با نتایج معروفی و یعقوبی (۱۳۸۹)، زکی (۱۳۹۲)، پاسپار و استقامت (۱۳۸۸) و موسوی



و چگینی (۱۳۸۶) به نقل از معروفی و یعقوبی (۱۳۸۹) است. این نتایج با نتایج تحقیقات قبلی روی کتاب‌های دوره قدیم نظام آموزش که دوره راهنمایی گفته می‌شود، هماهنگ است که شاید نشان‌دهنده نیاز بیشتر به مدنظر قرار دادن اهداف اصلی آموزش، از جمله تفکر انتقادی برای یادگیری درست مطالب و ارتباط آموخته‌ها با مسائل زندگی دانش‌آموزان برای مادام‌العمر کردن یادگیری و خودرهب کردن دانش‌آموزان در یادگیری است. (یوسفی و گردان‌شکن، ۱۳۹۰)

نتایج آزمون‌های دو درباره پراکندگی مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌ها در کل دو کتاب نشان داد که تفاوت معنی‌داری در پراکندگی مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌های تفکر انتقادی در دو کتاب وجود دارد. نتایج این تحقیق با تحقیق نوشادی و خادمی (۱۳۹۰)، مبنی بر وجود پراکندگی متفاوت بین مؤلفه‌های تفکر انتقادی در کتاب‌های مطالعات اجتماعی هماهنگ است و توجه نامناسب به مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌های تفکر انتقادی در دو کتاب را نشان می‌دهد.

### پیشنهادها

در محتوای درس مطالعات اجتماعی و راهنمای معلم آن به میزان کمی به مؤلفه خودتنظیمی نسبت به سایر مؤلفه‌ها توجه شده است. لزوم توجه به این مؤلفه در محتوای این درس و سایر درس‌های این پایه ایجاد می‌کند که موقعیت‌هایی برای خودسنجی و اصلاح نظرات دانش‌آموز ایجاد شود تا او بتواند آموخته‌هایش را با مسائل مربوط به زندگی واقعی خود ارتباط دهد و مسائل را بهتر تجزیه و تحلیل کند.

با توجه به اینکه نتایج تحقیق حاضر به تمامی مهارت‌های تفکر انتقادی توجه کافی ندارد، به علت نقش اساسی معلم در برنامه درسی مطالعات اجتماعی، برای معلمان کلاس‌ها و کارگاه‌های آموزشی گذاشته شود. همچنین، از طریق ارسال مواد آموزشی، مجله‌ها و راه‌اندازی سایت و ایجاد گروه‌های بحث درباره تفکر انتقادی و مهارت‌های مهم آن، آموزش‌های لازم به آنان داده شود.

● با توجه به اینکه نتایج تحقیق حاضر نشان داد که بین پراکندگی مهارت‌ها تفاوت معنی‌داری وجود دارد، در آموزش‌های قبل از خدمت دبیران به اهمیت و ضرورت تفکر انتقادی توجه شود و برنامه‌های درسی تقویت‌کننده تفکر انتقادی لحاظ شود.

● چون نتیجه گرفتیم که برنامه درسی مطالعات اجتماعی پایه هفتم به نحو شایسته‌ای قادر به پرورش تفکر انتقادی در دانش‌آموزان نیست. تناسب حجم مطالب با میزان زمان اختصاص یافته بررسی شود و در صورت لزوم زمان بیشتری برای پرداختن به مباحث کتاب و ایجاد ارتباط میان آموخته‌ها لحاظ شود.

● به معلمان در زمینه درسی که تدریس می‌کنند، به‌خاطر

بین رشته‌ای و تلفیقی بودن مطالب آن، اطلاعات کافی داده شود تا بتوانند با دادن اطلاعات کافی به دانش‌آموزان و ایجاد ارتباط میان مطالب، از سطوح پایین تفکر انتقادی در یادگیری فراتر بروند و به سطوح بالای تفکر انتقادی بیشتر توجه کنند.

● از تعداد دانش‌آموزان در کلاس‌ها کاسته شود و بر وسایل کمک‌آموزشی افزوده شود تا موجبات درک نکات مهم و اساسی کتاب و تبیین مطالب مهم کتاب برای ایجاد یادگیری عمیق فراهم آید.

● برای تعمیق فرهنگی فرایند تفکر انتقادی، علاوه بر اینکه کتاب درسی و باور و نگرش معلمان نسبت به کارایی آموزش به این شیوه نیازمند اصلاح است، باید زمینه استقبال دانش‌آموزان، والدین و تصمیم‌گیران آموزشی و عموم جامعه نیز فراهم شود.

● علاوه بر کتاب درسی، روش تدریس معلم بسیار مهم است. لذا در کنار رویکرد پژوهش‌محوری کتاب درسی، روش تدریس معلم نیز بهتر است در جهت پرورش تفکر انتقادی، بیشتر به سمت فعالیت محوری و مسئله‌محوری سوق یابد.

● اگر هدف، پرورش مهارت‌های تفکر برای تعمیق یادگیری باشد، ابتدا باید خود معلمان به‌صورت شفاف و صریح، مهارت‌های تفکر انتقادی را بیاموزند و به‌صورت عمیق درک کنند. بنابراین، یکی از اولویت‌ها گنجاندن رویکرد تفکر انتقادی و مسئله‌محوری در برنامه درسی تربیت معلمان است. البته این امر به‌تنهایی کافی نیست و برای معلمان فعلی نیز باید دوره‌های آموزش ضمن خدمت مناسب برگزار شود تا ضمن آشنایی با این مفهوم، در جهت رفع نواقص و بهبود رویکرد کتاب به تفکر انتقادی، تلاش جدی داشته باشند.

### محدودیت‌ها

● در بسیاری از موارد امکان جداسازی صددرصد مؤلفه‌ها از یکدیگر وجود نداشت (با یکدیگر همپوشانی داشتند)، به‌خصوص در مورد مؤلفه‌های تفسیر و توضیح که در بیشتر مواقع شبیه به هم بودند و جداسازی آن‌ها بسیار مشکل بود.

● نظرات مختلف و تعاریف متفاوت از تفکر انتقادی و وجود تعداد بسیار مختلفی از مهارت‌های (مؤلفه‌ها) تفکر انتقادی و زیرمؤلفه‌های آن‌ها، سبب پیچیدگی موضوع تفکر انتقادی شده است.

### پی‌نوشت‌ها

1. Lipman 2. Eniss 3. Watson & grise
4. Interpretation 5. Analysis 6. Evaluation 7. Deduction
8. Inference 9. self-regulation 10. Kevin orrielly

۱۱. این عناصر عبارت‌اند از: تعقل، علم، اخلاق، عمل و ایمان.

12. Fasion

۱۳. در بعضی منابع با عنوان مهارت آمده است.

منابع در دفتر مجله موجود است.